

«ایران» از شروع دوباره انتقادهای داخلی گزارش می دهد

برجام؛ پایان دیپلماسی یا مدلی برای گفت‌وگو

مریم سالاری
خبرنگار دیپلماسی

حمله سهمگین جریان‌های مخالف داخلی به توافق هسته‌ای که این روزها به بهانه مشکلات اقتصادی دوباره به نقطه جوش خود رسیده است، فارغ از اینکه در متن جنگ فرسایشی آمریکا علیه ایران به‌وقوع پیوسته است و از عواقب ناگزیر آتشی است که دونالد ترامپ با خروج یکجانبه از این توافق شعله ور کرده؛ اما در نمای کلی تر تصویر عینی این واقعیت است که بسیاری در داخل می‌کوشند با فراهم کردن بساط مغلطه علیه برجام هیچ حاشیه امنی برای دیپلماسی باقی نگذارند. دستمایه‌های این دسته از مخالفان برجام، شعارها و ساده‌سازی نتایج مذاکراتی است که مستندات آن بازگشتن تحریم‌های اقتصادی آمریکا با هدف وارد کردن فشار حداکثری به ایران است. مخالفان مذاکره و توافقی برای تکمیل مغلطه خود به تنگنای اقتصادی حاصل از تحریم‌های امریکایی استناد کرده و فریاد می‌زنند که همه آنچه در نتیجه برجام روی داده بواسطه نادیده گرفتن خطوط قرمز نظام از سوی دولت حسن روحانی بوده است. آنچه مخالفان در نقد عملکرد دولت آن را نادیده می‌گیرند بی‌اسخ گذاشتن پرسش هایی از این قبیل است؛ نظام جمهوری اسلامی در سال ۹۲ تحت چه شرایطی حاضر شد مذاکرات شکست خورده هسته‌ای را در سطح و رویکردی دیگر و با هدف دستیابی به یک توافق باسابقه؟ نسخه پیشنهادی مخالفان برای گرفتن امتیازهای یکجانبه از غرب چه بود؟ چرا منتقدان دولت روحانی در دوران حاکمیت تفکر خود موفق به گرفتن هیچ امتیازی از غرب نشدند؟ آنها تحت چه شرایطی فضا را برای گفت‌وگو با ابرقدرت‌ها مهیا می‌دانند؟ برنامه آنها برای چرخیدن همزمان سانسئرفیوژها و زندگی مردم چیست؟ آیا همه دستاوردهای توافق به مسائل فنی محدود می‌شود یا اینکه صلح در صحنه بین‌الملل و منطقه پر آشوب خاورمیانه نیز به همان اندازه حائز اهمیت است؟ سؤال مهم‌تر این است که طرح چنین خواسته‌هایی تا چه اندازه واقع بینانه و منطبق بر عملکرد منتقدان دلسوز است؟ آیا نمی‌توان گفت هدف اغلب این شعارپردازی‌ها این است که وضعیت فشار ادامه پیدا کند تا در آوردگاه انتخابات ۱۴۰۰ به زعم خود دست‌پری برای انتقاد از دولت داشته باشند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها مروری بر وضعیت کشور در آستانه اجماع نظام جهت ورود به مذاکرات هسته‌ای به رهبری آمریکا، دستاوردهای این توافق در حیات پیش از خروج این کشور از آن و تحولات جاری خالی از فایده نخواهد بود.

تنگنای سیاسی واقتصادی در سال ۹۲
مدعیان امروز در حالی دولت روحانی را متهم به تمایل به غرب می‌کنند - عمدتاً هم منظورشان گفت‌وگوهای منتهی به برجام است - که پاسخ نمی‌دهند در شرایط سال ۹۲ و با توجه به اجماع جهانی ایجاد شده علیه ایران، دولت وقت چه راهکار دیگری را پیش رو داشت. مضاف بر اینکه گفتمان آنها از انتخابات ۹۲ و ۹۶ هم نمایندگان جدی در عرصه انتخابات داخلی این کشور مردم رویکردهای آنها را انتخاب نکردند و جالب‌تر اینکه در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ هیچ کدام از نامزدهای اصولگررا حکم «باطل شده» بر برجام ن‌زدند. چنانکه محمد باقر قالیباف ۱۱ اردیبهشت ۹۶ در گفت‌وگوی ویژه خبری از برجام حمایت کرد و گفت: «برجام، تعهد کشور و حاکمیت است و هیچ دولتی نمی‌تواند آن را به هم بزند. اگر من توفیق خدمت پیدا کنم، حتماً از آن پاسداری می‌کنم. هر دولتی غیر از دولت فعلی هم بود همین مسیر را طی می‌کرد چرا که مجموعه‌ای از نظام و حاکمیت تصمیم به مذاکره داشتند.»حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی هم در دومین مناظره زنده تلویزیونی گفت: «برجام یک توافقی است که بر اساس مذاکرات به وجود آمده است و آنچه دولت در فرآیندی که طی شده با تمام اشکالاتی که دارد و رسانه‌های گروهی هم بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند به وجود آمد ولی این یک سند ملی است و باید به آن احترام بگذاریم».

کمتر کسی تردید دارد که ۸ سال

سوءمدیریت داخلی و خارجی و فشارهایی که در نتیجه اختلاف پیرامون برنامه هسته‌ای ایران در دوره محمود احمدی‌نژاد حاصل شده بود، چرخ زندگی مردم را از حرکت انداخته و با سایه انداختن بر معیشت و ایجاد تنگنای اقتصادی حتی نتایج نامطلوبی را در زمینه‌های امنیتی و اجتماعی به بار آورده بود. گروه‌های مختلف اجتماعی بویژه طبقه متوسط شهری در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به موازات وضعیت نامناسب کسب و کار و وابستگی بیش از بیش اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از فروش نفت و فرصت سوزی‌های تاریخی دولت در این ارتباط و پیگیری بی حاصل مذاکرات هسته‌ای، شاهد بودند که وضعیت اقتصادی و شان اجتماعی- فرهنگی و منزلت سیاسی‌شان تا کجا نزول پیدا کرد. وضعیتی که این واقعیت را برای صدر تا ذیل نهادهای حاکمیتی پدیدار برنامه آنها برای چرخیدن همزمان سانسئرفیوژها و زندگی مردم چیست؟

بود؛ به‌گونه‌ای که وقتی رئیس جمهوری ایران در سال ۱۳۹۱ برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کرد، جز رؤسای جمهوری بولیوی و کومور، پادشاه سوازیلند و چند کشور کوچک در جنوب آفریقا هیچ مقامی برای دیدار با او نامبلی از خود نشان نداد. در حقیقت بازیوی ایران در عرصه سیاست خارجی پشت ناتوان شده و درتحقق هدف خود یعنی تأمین منافع ملی ناکام مانده بود. چه هزینه فشار کشورهای مخالف علیه ایران به اندازه‌ای پایین آمده بود که دشمنان برای مواجهه و تقابل مستقیم با ایران از بیشترین آزادی عمل بهره‌مند بودند.

در چنین شرایطی ضرورت تغییر همراه با تدبیر در رویکرد کلی نظام پدیدار شد؛ تغییری که پیش از همه در مواضع حسن روحانی، نامزد پیروز انتخابات سال ۹۲ بازتاب یافت و او با اتکا به اجماع نهادهای حاکمیتی به

حمایتی پس از سپری شدن چند سال مذاکره طولانی در وین در شرایطی به امضای ایران و شش کشور ۵+۱ رسید که قریب به اتفاق صاحب نظران بین‌المللی مهم‌ترین دستاورد آن را به رسمیت شناختن حق غنی سازی ایران می‌دانستند. حتی که سال‌ها با مقاومت آمریکا از پذیرش آن رویه‌رو بود اما در نهایت قبول کرد که ادامه اصرار بر سیاست «غنی‌سازی صفر» به سدی در برابر حل دیپلماتیک دعوی هسته‌ای ایران و جهان تبدیل شده است. عقب نشینی آشکار واشنگتن در برابر این موضوع، مسیر پرفراز و نشیب مذاکرات هسته‌ای را هموار کرد و تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل کمتر از یک هفته بعد از توافقی و صحه گذاشتن بر برجام، برنامه غنی سازی ایران را از مشروعیت بین‌المللی بهره‌مند کرد. این تنها دستاورد برجام نبود چه با نهمی شدن این توافق و صدور قطعنامه جدید،

به نظر می‌رسد مخالفان دولت مروری دوباره به واقعیت‌های حاکم بر کشور داشته باشند و با اهداف جناحی و سیاسی، چوب حراج به داشته‌های نظام و اقدامات دولت نزنند و به بهانه مخالفت با دولت روحانی یا ترامپ حکم به پایان دیپلماسی دهند.
روزنامه «کیهان» و سایر مدعیان هرگز به این مسأله اشاره نکردند که چرا ترامپ از توافقی که به‌زعم آنها برای امریکا این همه بهره آورده بود خارج شد و بارها برای مذاکره‌ای دیگر با تهران ابراز تمایل کرد
در حقیقت اگر دولت روحانی به سمت گفت‌وگو با غربی‌ها و آمریکا رفت اولاً بر اساس جمع بندی‌های مجموعه نظام بوده و ثانیاً گزینه دیگری پیش رونبید و گفت‌وگو با غربی‌ها گزینه‌ای بود برای حل و فصل مشکلاتی که در دولت مورد حمایت مخالفان امروز دولت روحانی برای کشور به وجود آمده بود
مدعیان امروز در حالی دولت روحانی را متهم به تمایل به غرب می‌کنند - عمدتاً هم منظورشان گفت‌وگوهای منتهی به برجام است - که پاسخ نمی‌دهند در شرایط سال ۹۲ و با توجه به اجماع جهانی ایجاد شده علیه ایران، دولت وقت چه راهکار دیگری را پیش رو داشت. مضاف بر اینکه گفتمان آنها در انتخابات ۹۲ و ۹۶ هم نمایندگان جدی در عرصه انتخابات داشت اما مردم رویکردهای آنها را انتخاب نکردند و جالب‌تر اینکه در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ هیچ کدام از نامزدهای اصولگررا حکم «باطل شد» بر برجام ن‌زدند
آنچه مخالفان در نقد عملکرد دولت آن را نادیده می‌گیرند بی‌اسخ گذاشتن پرسش هایی از این قبیل است؛ نظام جمهوری اسلامی در سال ۹۲ تحت چه شرایطی حاضر شد مذاکرات شکست خورده هسته‌ای را در سطح و رویکردی دیگر و با هدف دستیابی به یک توافق از سر گیرد؟ نسخه پیشنهادی مخالفان برای گرفتن امتیازهای یکجانبه از غرب چه بود؟ چرا منتقدان دولت روحانی در دوران حاکمیت تفکر خود موفق به گرفتن هیچ امتیازی از غرب نشدند؟ آنها تحت چه شرایطی فضا را برای گفت‌وگو با ابرقدرت‌ها مهیا می‌دانند؟ برنامه آنها برای چرخیدن همزمان سانسئرفیوژها و زندگی مردم چیست؟

ایجاد کانال ویژه گفت‌وگو با غرب به رهبری آمریکا برای پایان بخشیدن به مناقشه هسته‌ای همت گماشت. نگاه دولت روحانی به سیاست ورزی در صحنه بین‌الملل با آموزه‌های تاریخی و تجربیات دنیای دیپلماسی همخوانی بیشتری داشت. اولین نشانه این تفاوت زمانی آشکار شد که روحانی در بحبوحه رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، از ضرورت نشست با کدخدای اروپاییان برای حل و فصل بحران هسته‌ای صحبت به میان آورد. به واقع، آنچه در سخنان او بشدت مورد بهره برداری سیاسی جریان رقیب نیز قرار گرفت، تلاش برای تأثیرگذاری مستقیم بر بازیگران قدرتمند صحنه بین‌المللی بود که می‌توانست به مراتب مؤثرتر و نتیجه بخش‌تر از گفت‌وگوهای شاعری، فرسایشی و کم حاصل با بازیگران حاشیه‌ای باشد. بدون تردید این دیدگاه با در نظر گرفتن اقتضانات حاکم بر کشور که ضرورت رسیدن به یک توافق فوری را نشان می‌داد، از پشتوانه جمعی بالاترین سطوح حاکمیتی بهره‌مند بود. در حقیقت اگر دولت روحانی به سمت گفت‌وگو با غربی‌ها و آمریکا رفت اولاً بر اساس جمع بندی‌های مجموعه نظام بوده و ثانیاً گزینه دیگری پیش رونبید و گفت‌وگو با غربی‌ها گزینه‌ای بود برای حل و فصل مشکلاتی که در دولت مورد حمایت مخالفان امروز دولت روحانی برای کشور به وجود آمده بود.

توافق هسته‌ای به پشتوانه چنین

فرصت‌های بیشتری را در بخش‌های اقتصادی و صنعتی ایران فراهم کرد. از سوی دیگر در حالی که یکی از عمده‌ترین اهداف تحریم‌های اقتصادی، خنثی کردن جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران در عرصه نفت و گاز بود، برجام با قطع روند رو به جلوی تحریم که به کاهش صادرات نفتی و فروش بشکه نفت به کمتر از ۵۰۰ هزار عدد رسیده بود، بازی ژئوپلیتیک در عرصه نفت و گاز را به نفع ایران و به سمت برقراری توازن قدرت سیاسی و اقتصادی در منطقه خاورمیانه تغییر داد. وضعیتی که تداوم آن بی‌تردید می‌توانست عامل مهمی در ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و جهان باشد.

فارغ از مزیت‌های به بار نشسته اقتصادی، توافق هسته‌ای بیش از همه زمینه تحول روابط ایران و کشورهای بلوک غرب را فراهم کرد و برای نخستین بار پس از روی کار آمدن روحانی تابوی گفت‌وگوهای دوجانبه تهران و واشنگتن شکست و طریفن برای یافتن راه‌های دیگر برای حل اختلاف در زمان شکست مذاکرات متعارف، کانال مذاکرات دوجانبه را به پیش از دولت روحانی به‌صورت محرمانه باز شده بود، به‌صورت علنی گشودند، مجرای که پذیرش حق غنی سازی ایران از سوی آمریکا از طریق آن، راه رسیدن به توافق را هموار کرد و به ارسال پیام‌های دوستانه تری همچون تبادل زندانیان ایرانی و امریکایی در روز اجرای برجام و سال‌های بعد از آن منتهی شد. این نشانه‌ها کافی بود تا به‌زور بسیاری از صاحب نظران بین‌المللی، مهم‌ترین کارکرد این توافق ورای دستاوردهای اقتصادی ایران، تقویت دیپلماسی حتی با آمریکا و درباره پیچیده‌ترین اختلافات باشد که با شکست مذاکره هراسی را را برای ترمیم چهره ایران و هموار شدن مذاکرات بعدی و حل دیگر موضوعات باز کرد. اگرچه تندرهای کاخ سفید بعد از استقرار ترامپ اهمیت این موضوع را درک نکردند وقدم در مسیری گذاشتند که تا حالا باب مذاکره در موضوعات مختلف راسته‌اند.

حمله مستمر به برجام
در حالی که برجام مدلی از گفت‌وگو بود که راه خود را در زمانه تنگنای سیاسی و اقتصادی ایران گشود؛ اما در اردوگاه اقلیت مخالفان، بازی متفاوتی جریان پیدا کرد. تندرورها با تبخیت از الگوی رفتاری بازی صفر و صد، به نوعی شرط‌بندی و قمار سیاسی دست زدند. با وجود آنکه روحانی و دیپلمات‌هایش بارها تأکید کردند که چرخه مذاکره و توافق را از طولیانه در جهان‌بینی طرف پیش می‌برند اما تندرورها با نگاهی بدبینانه این گونه القا کردند که پیروزی دولت روحانی در این کارزار به حاصل شدن توافقی کم بهره و متوقف شدن فعالیت‌های سیاسی و دیپلمات‌هایش طیب نیا، وزیر امور اقتصادی وقت ایران انجامیده است. برپایه نگاه این گروه، ایران تلویحاً یک کشور ضعیف تلقی شد که در نتیجه مذاکره نه به سازش داده و خود را داوطلبانه در جهان‌بینی طرف قدرتمند ذوب کرده است. آنچه آنان در انتقادات تند و تیز خود اشاره‌ای به آن نداشتند وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران بود که با رسیدن به وخیم‌ترین سطح ممکن، نهادهای تصمیم گیرنده نظام را به تدبیری دیگر واداشت. تدبیری که بر اساس آن پرونده مذاکرات به دست دیپلمات‌ها و با هدف پیگیری سیاست نرم‌ش قهرمانانه سپرده شد.

■ یکشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۹
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۳۸۵

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

دیگر چه خبر؟

انتقاد نماینده مجلس از مدافعان فیلتر ینگ اینستاگرام

«**خبراول اینکه**، یک نماینده مجلس از همکاران خود در بهارستان انتقاد کرد که چرا خودشان از توئیتر و اینستاگرام استفاده می کنند اما مدافع فیلترینگ هم هستند. معین الدین سعیدی در بخشی از گفت‌وگو با برنا، با اشاره به فیلتر بودن توئیتر در کشور گفت: چگونه است که نمایندگان مجلس و حتی اعضای هیأت رئیسه تند تند توئیت می کنند؟! اگر واقعاً معتقد به فیلتر توئیتر هستیم، چگونه خودمان قانون را دور می‌زنیم؟! نماینده جایبار افزود: در جلسه‌ای که وزیر ارتباطات حضور داشت، بسیاری از همکاران معترض به بحث اینستاگرام بودند. خودم نقدهای جدی بر فضای مجازی دارم اما اینگونه راحت صحبت کردن از فیلتر اینستاگرام در حالی که می‌دانیم بسیاری از طریق همین نرم افزار معیشت خود را می گذرانند، مناسب نیست. وانگهی شما که می‌خواهید نهی از منکر کنید، یک امر به معروف هم بکنید. برخی از همین همکاران که خواهان فیلتر اینستاگرام هستند، خودشان هم در این فضا فعال هستند. من معتقدم در بحث‌های فیلترینگ باید خیلی فنی و کارشناسی ورود کنیم چرا که با فضای کرونا به بسیاری از مشاغل ثابت شد که اینستاگرام می‌تواند مفید باشد.

محمدعلی کامفیروزی تبرئه شد

«**خبر دیگر اینکه**، رای برائت محمدعلی کامفیروزی، حقوقدان در شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان فارس صادر شد. به گزارش ایلنا، پرونده محمدعلی کامفیروزی که با اتهام توهین به مقام معظم رهبری در جریان رسیدگی بدوی منجر به صدور رای غیر قطعی دو سال حبس شده بود، با تجدید نظر خواهی وی مجد د در دستور کار رسیدگی در دادگاه تجدید نظر قرار گرفت. پس از دریافت تقاضای تجدید نظر خواهی وی، پرونده در شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان فارس مطرح شد و رسیدگی به این پرونده به صورت فوق العاده در دستور کار شعبه مزبور قرار گرفت. قضات صادر کننده رای اعلام کرده‌اند که کامفیروزی در تمام مراحل رسیدگی منکر اتهام توهین به رهبری شده و همچنین در گزارش ضابط پرونده نیز این اتهام گزارش نشده است، بنابراین تقاضای تجدید نظر کامفیروزی صحیح تشخیص داده شده و رای قطعی بر برائت او صادر می‌شود.

روایتی از سند همکاری‌های ایران و چین

«**دست‌آخراینکه**، روزنامه خراسان در گزارشی نوشته که به اطلاعاتی درباره سند همکاری‌های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین دست یافته که کاملاً برخلاف برخی ادعاهای شایعات منفی حول آن است، بر اساس اطلاعات موثق، این سند با عنوان رسمی «برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین» ثبت شده و حوزه‌های سیاسی، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، کشاورزی، اقتصادی، علمی، چنانچرکی، نفت و انرژی، زیرساخت‌های مخابراتی و فناوری ارتباطات، تجارت، بهداشت، سلامت و... را شامل می‌شود. در برخی از ندها صحبت از تسهیل سرمایه‌گذاری و فنانانس است و برخی از بدها از حمایت‌های متقابل سیاسی در مجامع بین‌المللی می‌گوید. در حوزه نظامی و دفاعی موضوعاتی همچون آموزش، انتقال فناوری‌های دفاعی، مبارزه با تروریسم و رزمایش مشترک آمده است. از نکات بسیار مهم این سندی می‌توان به توافق بر سر تجارت با ارزهای ملی یاد کرد. همچنین در این سند بارها به طرح چین برای «یک کمربند، یک راه» (طرحی بر بستر مسیر خرابه ابریشم) اشاره شده و اینکه ایران می‌تواند ضمن مشارکت فعال در این طرح جهانی، از فواید اقتصادی و صندوق اعطای وام این طرح نیز بهره‌مند شود. بر اساس این مدارک، چین وارد کننده ثابت نفت از ایران خواهد بود و ایران نیز باید گرانی‌های چین برای بازگشت سرمایه‌گذاری نفتی به ایران را بر طرف کند. ارتقای همکاری‌های بانکی، مالی و بیمه‌ای و گشایش شعبات بانک‌های ایران و تأسیس بانک مشترک ایران و چین بویژه ایجاد پیام‌رسان ملی میان دو کشور به جای سوئیفت نیز مطرح شده است. کمک به ساخت خط آهن در نقاط مختلف کشور، افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی به چین، کمک و سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت‌های انرژی فسیلی، سرمایه‌گذاری در تقویت گریدورهای راهبردی که از ایران می‌گذرند، سرمایه‌گذاری برای توسعه تولید و صادرات انرژی از ایران به کشورهای منطقه، مشارکت در توسعه همه‌جانبه سواحل مکران، کمک به ایران برای ایجاد نسل ۵ اینترنت و تقویت شبکه ملی اطلاعات، سرمایه‌گذاری برای تولید انرژی‌های پاک در مناطق کویری ایران، کمک به توسعه صنعت حمل‌آیمر هسته‌ای کشورمان و سرمایه‌گذاری به تأمین واگن مترو و ساخت خطوط مترو در شهرهای بزرگ و شهرهای جدید ایران از جمله بخش‌های مهم سند است.

شمخانی: ترور شهید سلیمانی هدیه امریکا به تروریسم تکفیری بود

نماینده رهبر معظم انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی ترور شهید سلیمانی را بزرگ‌ترین هدیه امریکا به تروریسم تکفیری و حامیانش عنوان کرد. به گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، دریابان علی شمخانی که دیروز در جلسه پیگیری سیاسی ـ حقوقی پرونده ترور شهید قاسم سلیمانی و همراهانش سخن می‌گفت که روز شنبه در محل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی برگزار شد، گفت: بغض و کینه امریکا رژیم صهیونیست نسبت به شهید سیهبد قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس بدلیل نقش بی‌بدیل آنان در مبارزه با تروریسم تکفیری در منطقه و رسوا کردن نمایش ضدتروریستی امریکا بود. دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: جهان باید قدراند دهنده و کارگزاران این دو سردار مبارزه واقعی با تروریسم باشد چرا که فرماندهی هوشمندانه و تلاش مخلصانه آنان از فراگیر شدن فتنه تروریسم تکفیری در اقصی نقاط عالم جلوگیری کرد. در این جلسه که با حضور مسئولان دستگاه‌های ذریبط قضایی، سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی و نظامی برگزار شد گزارشی از اقدامات انجام شده در زمینه پیگیری پرونده ترور فرماندهان مقاومت از سوی ارتش تروریست امریکا ارائه و تصمیمات لازم در خصوص سرعت بخشیدن به روند پیگیری‌های جاری اتخاذ شد.

محسن هاشمی: امکان احیای بدنه اجتماعی اصلاحات وجود دارد

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با بیان اینکه یکی از مشکلات اصلی جریان اصلاحات و میانه‌روی در طول این دوره فقدان عملکردایی واقع‌گراییی است، گفت: مردم باید احساس کنند که اصلاح طلبان برای همین شرایط و محدودیت‌ها برنامه اجرایی و عملی دارند که مشکلات را کاهش دهند و گرنه بدنه اجتماعی اصلاح طلبان به پای صندوق رای نمی‌آید. به گزارش ایسنا، محسن هاشمی با بیان اینکه اگر اصلاح طلبان بخواهند مانند انتخابات مجلس یازدهم حضور جدی و رسمی در انتخابات نداشته باشند، طبیعتاً از صحنه رسمی سیاست دست کم برای کوتاه مدت حذف می‌شوند، افزود: برعکس اگر اصلاح طلبان قادر باشند که برنامه اجرایی و متفاوتی برای بدنه اجتماعی خود را دارند. هاشمی با این اعتقاد که اصلاح طلبان باید بیش از شخص درباره راه و برنامه ببندیشند، ورود زود هنگام به فاز انتخاباتی را منجر به شکل‌گیری شائبه قدرت طلبی در افکار عمومی دانست و گفت: در این شرایط که مردم در وضعیت بسیار سخت معیشتی هستند به نظر می‌آید از رفتاری که منجر به ایجاد ذهنیت منفی در جامعه می‌شود، خودداری شود.